

سلکشنِ رؤیا

ادامه قطره قبل

مادری در مترو به پسرکش دیکته می‌گفت: "خوشحال، خشنود، خرّم، خواهش، خواهر، خار و... پسرک بیشترش را غلط می‌نوشت: خُشحال، خورّم، خاهر... مادرش فریادی مثل جیغ مادر رُن در هری پاتر سر پسرک کشید و با مقادیری چاشنی کُودن و ناسزاهای دیگری که نثار "پدر صاحب بچه" کرد، کلمه خرّم را نشان داد و پرسید: "حیف نون! این چه؟" بچه کمی با خودش کلنجار رفت و آهسته گفت: "خرّم!"

از کلاس اول دبستان تا چند سال بعد این حکایتی است که در خیلی از خانه‌ها تکرار می‌شود. برخی از مادران به بچه یاد می‌دهند که کلمات را حفظ کنند. مثلاً بنویسند خَواهر بر وزن ظواهر ولی بخوانند خاهر / بنویسند بَخوان ولی بگویند بخان / بنویسند خَوار بخوانند خار و معنی کنند پست و تحقیر شده / بنویسند خار بخوانند خار و معنی کنند تیغ گل! این کوشش‌های مادرانه بدک نیست ولی مشکل رسم الخط فارسی را حل نمی‌کند. خط فارسی طوری است که اگر شما خودِ علامه دهخدا باشید و کلمه‌ای را تا کنون ننشیده باشید، آن را باید الله بختکی تلفظ کنید. اگر علامه دهر نباشید و فقط یک آدم لیسانسسه معمولی باشید، نمی‌دانید کلمات جدید را چطور بنویسید. آیا با ز بنویسید یا با ذال؟ ضاد؟ و یا با ظا؟ آیا برای هر یک از حروفش فتحه بگذارید یا کسره یا ضمه و یا ساکن؟ آیا مَعْتَبَناه است یا مُعْتَبَناه و یا مُتَابع؟ آیا راجع به بود یا راجب یا راجبه؟ آیا خدمتگذار بود یا خدمتگذار؟ نماز گزار با کدام "ز" درست است؟ نفخ صور بود یا نفخ سور یا نفخ ثور؟ کار گر بود یا کار گر؟ عسکری درست است یا عسگری؟ لشکر یا لشگر؟ طوفان یا توفان؟ این فردوسی توسی است یا طوسی؟ آخرش نفهمیدیم بنویسیم سویس یا سوییس یا سوئیس؟ فرق سوئیس با سویس چیست که برای سوئیس یک حرف "ی" می‌آوریم و برای سویس دو تا "ی"؟ مسؤول؟ مسئول؟ غلیان یا قلیان یا قلیون؟ غلّتیدم یا قلتیدم؟ داود؟ داوود؟ این کلمه را کسره بخوانم یا کره و یا کِره؟ اگر کره خواندم، منظور کره جغرافی است یا کشور کره و یا آن کره‌ای که کردها می‌گویند و تقریباً به معنی "یره" می‌مشهدی است؟ شاید هم باید آن را "کره" بخوانیم که با کراهت هم‌ریشه است. اگر کلمه‌ای با حرف "و" شروع شود، آن را واو فارسی تلفظ کنیم یا عربی؟ اگر خبر ندارید، باخبر شوید که ما دو جور واو داریم. یکی مال کلمات فارسی است مثل وامق. یکی هم واو عربی است مثل والد و وُلک آبدونی‌ها. در تلفظ اولی دندان‌های پیش به لب می‌چسبند. در تلفظ عربی لبها را غنچه می‌کنیم و لب به دندان نمی‌خورد. آیا بگویم تسلیت باد یا نگویم؟ چون "باد" فعل داعی و شادی است. مثلاً "بادا بادا مبارک بادا/ایشالا مبارک بادا... " آیا بگویم "سینه زنان شاه‌دین خوش آمدین خوش آمدین" یا نگویم چون خوشامد گویی مال مجلس شادی است نه مجلس سوگواری. آیا بگویم سوء مصرف مواد و نپر سیم مگر حُسن مصرف مواد هم داریم؟

می‌بینید چه گرفت و گیری است؟ "جایی که عقاب

هم سخت تر است. وضعیت قطع ارتباط سیاسی بین ایران و عربستان نه تنها راه هر گونه تلاش کشور مقابل را برای مهار این خاک می‌بندد که خصومت‌های تشدید شونده هفته‌های اخیر علیه ایران، این احتمال را هم افزایش می‌دهد که شاید سعودی‌ها هیچ بدشان نیاید که اگر می‌توانند اندکی هم به این خاک حمله ور شده به سوی ایران بیفزایند. کاملاً پیداست که سازمان محیط زیست نه هیچ ابزاری برای اجبار تر کیه و عراق و سوریه دارد و نه هیچ تیغ برنده‌ای علیه عربستان، تا بتواند به یکی از اهداف مهمش در سه سال آینده که مقابله با ریزگردهاست، نزدیک شود.

مدیریت در سازمان محیط زیست نخواهد بود و ارگان‌هایی مثل شهرداری، نامزدهای نخست چنین مدیریتی خواهند بود. پس ظاهراً دومین آرزوی رئیس سازمان محیط زیست برای چهار سال آینده هم، چه بخاوه و چه نخواهد و چه بداند و چه نداند، آرزویی نیست که او ابزاری برای تحقق پیدا کردنش در دست داشته باشد.

سازمان محیط زیست، باقی مانده و آن اینکه در همان جلسه‌ای که با حضور ایشان و رئیس‌جمهور برای تعیین این اولویتها در ششم آبان ماه سال جاری تشکیل شده، رئیس‌جمهور تعهد کرده باشد که برای رسیدن به این اهداف، نه فقط از ابزاری که در اختیار سازمان محیط زیست است، بلکه از تمام قدرتی که در اختیار رئیس‌جمهور و کابینه است، بهره‌گیری شود تا شاید در پایان دولت دوم دکن روحانی، این چهار آرزوی معاون ایشان به باد نرفته باشد.

پسر بریزد/ از پشه‌لاغری چه خیزد! بزرگترهایی که باید یک تریلی هیجده چرخ بیاوری تا ادعای سوادشان را یدک بکشد، در دیکته زیر خط فقر سواد نمره می‌گیرند چه برسد به بچه‌های طفل معصوم که یک چشمشان به دفتر مشق است، یک چشمشان به سریال تلویزیونی، یک گوششان به جر و بحث والدین است و یک گوششان به ترانه "پلنگ پلنگ پلنگه". این پدر و مادری که خودشان برای بچه پیامک می‌زنند که "امشب میخایم راجب درسات بیحتمیم" آیا حق دارند به بچه بگویند "الاغ الدوله‌ی دیلمی، ننویس توتی بنویس طوطی؟"

روی پرده سیاه و زیبای یک هیأتی یکی از بندهای عالی محتشم کاشانی را نوشته بودند. یکی از مصرع‌هایش را اینطور گلدوزی کرده بودند: "بی نفخ سور خواسته تا عرش اعظم است" معنی این مصرع با این رسم الخط اینطور می‌شود: "بدون نفخی که در سور چرانی داشتیم، خواسته‌ها و آرزوها تا عرش اعظم است!" درستش اینطوری است: "بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است" یعنی بدون آنکه اسرافیل در صورتش بدمد، رستاخیز شد و عظمت این رستاخیز چنان است که تا عرش اعظم بر پا خاسته است. "می‌بینید معنی چقدر فرق کرد؟ بزرگترها کلی غلط املائی و انشایی دارند و کسی به آنها نمی‌گوید "ننویس سور و خواسته، بنویس صور و خاسته" این بزرگواران بیایند و عادل باشند و وقتی که بچه آنها نوشت "خُشحال و خوشنود" به او نگویم "الاغ الدوله دیلمی... و با او مهربان باشیم و یادش بدهیم خشنود را خشنود می‌نویسند و خوش نود می‌خوانند. پدرها و مادرهای ارجمند در کلاسهای بالاتر به بچه یاد بدهند که در شعر اگر "خوش" قافیه بود، بنویس خوش و بخوان خَش. برای همین است که می‌گویند: "در تنگنای قافیه خورشید خر شود" راست هم می‌گویند اگر در شعری خور به معنی خورشید و یا به معنی خوردن قافیه شود، این دو کلمه را "خر" تلفظ می‌کنیم. حالا به این کار نداریم که غلط است و در فارسی قدیم قبل از اسلام حرفی داشته‌ایم که مثل عدد ۳ فارسی نوشته می‌شده و تلفظ خاصی داشته که امروز جز در گویش کردی در گویش‌های دیگر از بین رفته. در رسم الخط فارسی فعلی هم حرف یا آوایی نداریم که آن را تلفظ کند ناچار کلاً از بین رفته. اگر دوست و آشنای کرد دارید، از او پرسید شما به آفتاب چه می‌گویند و خوش را هم چطور تلفظ می‌کنید تا ببینید تلفظ خر و خش چقدر غلط است.

از این جور غلط‌های املائی نه تنها در دفتر دیکته بچه‌های طفل معصوم به وفور یافت می‌شود، به وفور ترش را در تابلوهایی ببینید که شهرداری و سازمان‌های علمی و فرهنگی در شهر می‌چسبانند. برخی از تابلوها آدم را یاد فیلم "سلکشنِ رؤیا" می‌اندازد. برای مثال وقتی شهرداری تابلو می‌زند "رسالت غرب" برای خارجی‌ها هم به لاتین می‌نویسد رسالت غرب و برای اینکه سلکشنِ رؤیایش درست شود، یک حرف e انگلیسی را هم بین دو خط تیره می‌گذارد. کافی بود کمی فکر کند و یاد فیلمهای وسترن بیفتد و یاد غرب وحشی کند و بگوید: "آها!.. وست میشه غرب پس بنویسم "وست رسالت" و به قانون سلکشنِ رؤیا کاری نداشته باشم تا آن راننده خارجی هم راهش را پیدا کند.

ادامه دارد